

بخش پایانی:

دیگر عوامل مؤثر در بزهداری

رسانه‌های گروهی و بزهداری

مجلات و بزهداری

آبراهامسن (۱۳۷۱، صص ۴۳۶ - ۴۳۵) در مورد تأثیر مجلات در بزهداری می‌گوید: فردریک ورتام،^۱ بخش زیادی از بزهداری نوجوانان را به خواندن مجلات کودکان نسبت می‌دهد. او طرفدار جلوگیری از فروش گسترده مجلات جنایی و ترسناک است و عقیده دارد که این مجلات بیش از همه در کودکان عادی تأثیر سوء می‌گذارد و این نوع کودکان‌اند که به تقلید از جرایمی که در داستان‌های این مجلات شکل گرفته، تحریک می‌شوند. پروفیسور تراشر^۲ با نظر دکتر ورتام مخالفت ورزیده، مدعی است که ضعف مطالعات اخیر ایشان در آن است که نتایج به دست آمده از طریق آمار کافی تحقیقاتی تأیید نشده است. بنا به نظر کمیته فرعی مسئول بررسی بزهداری نوجوانان، نظر اکثر اعضا متمایل به آن است که بسیار کم احتمال دارد خواندن مجلات جنایی و ترسناک در کودکی که توازن عاطفی داشته، معمولاً قانون‌شناس است، به بزهداری منجر شود.

تلویزیون و بزهداری

شیخاوندی (۱۳۵۰، صص ۱۸۸ - ۱۷۸) در مورد ارتباط بین تلویزیون و بزهداری می‌گوید که بررسی روزنامه‌ها و

نوجوانی و بزهداری

دکتر عباس صادقی - استادیار گروه علوم تربیتی (مشاوره)، دانشگاه گیلان

حسن حمیدی - عضو هیأت علمی دانشگاه گیلان، گروه علوم تربیتی



رادیو و بزهکاری

شیخاوندی (۱۳۵۰، صص ۴۳۷ - ۴۳۶) در مورد ارتباط بین رادیو و بزهکاری بیان می‌دارد که به رغم ناتوانی فنی رادیو برای واقعیت بخشیدن به صحنه‌های نمایش (مانند نشان دادن صحنه‌های خون‌آلود یا قیافه‌های آشفته)، مسائل جرم و جنایت در آن کم نیست. از برنامه‌های جانی دالر گرفته تا داستان‌های شب، با خنده‌های وحشتناک و نمایشنامه‌های رعب آور، کم و بیش در حالات روانی کودکان و بزرگسالان اثر می‌گذارد.

آبراهامسن (۱۳۷۱، صص ۱۹۰) در مورد تأثیر مجلات، رادیو و تلویزیون معتقد است که بدون تردید در هر سه مورد وسیله ارتباط جمعی داستان‌های وحشتناک زیاد مورد توجه قرار می‌گیرند. ولی به نظر من در این که هر یک از این وسایل به خودی خود بتواند موجب رفتار مجرمانه در شخص بهنجار و متعادل گردد، باید تردید کرد. در حقیقت ممکن است خود این داستان‌ها وسیله جلوگیری از بزهکاری نیز باشند. زیرا برای کودکان و بزرگسالان سالم از نظر عاطفی، وسیله‌ای فراهم می‌آورند که بتوانند به طور غیرمستقیم احساسات پرخاشجویانه خود را ارضا کنند. البته باید به خاطر آوریم که در وجود کودکانی که ضداجتماع یا بزهکار می‌شوند،

مقالات مندرج در آن‌ها، اظهار نظر اولیا و نامه‌هایی که پدران و مادران و مربیان برای مسئولان برنامه‌های تلویزیونی ارسال می‌کنند نشان می‌دهد که آنان برخی اوقات از بدآموزی برنامه‌های تلویزیون اندیشناک‌اند. به ویژه گروه‌های سنتی و مذهبی که زمانی نقش ارشاد رویاروی جوانان را به عهده داشتند، این نگرانی خود را در مطبوعات سنتی و دینی یا در مجامع دیگر بروز می‌دهند. این نگرانی‌ها ناشی از مسائل زیر است:

۱- برنامه‌های تلویزیونی به نحو اغراق آمیزی صحنه‌های عصیانگری، پرخاش جویی، کشتار، خشونت، قانون شکنی و هوسبازی را نمایش می‌دهند و این صحنه‌ها خمیره کودکان را زهر آگین می‌سازد.

۲- گسترش عرضه فرهنگ و ارزش‌های غیرملی از برنامه‌های تلویزیونی موجب می‌شود که فرهنگ و ارزش‌های ملی که هنوز به طور کامل در رفتار نوجوانان و جوانان استوار نشده است، ارج و اهمیت خود را از دست بدهند و نسل جوان به فرهنگ و ارزش‌هایی روی آورد که در جوامع دیگر تحت شرایط دیگری پدید آمده است و جامعه ماکاملاً با آن‌ها انطباق ندارد.

۳- در فیلم‌های تلویزیونی و آگهی‌های تبلیغاتی، بسیاری از مسائل اجتماعی، مخصوصاً بزرگ جلوه داده می‌شوند. بزرگسالان، به غیر واقعی و تصنعی بودن آن‌ها واقف‌اند، لیکن کودکان و کسانی که آگاهی و تجارب کافی ندارند آن‌ها را واقعیت پنداشته، مظهری از زندگی نو می‌انگارند و بدان پای بند می‌شوند.

تحقیقاتی که در باره برنامه‌های تلویزیونی در غرب به عمل آمده است نشان می‌دهد که در مدت یک هفته برنامه، ۸۵۲ جنایت در صفحه تلویزیون به نمایش گذاشته شده است که ۱۶۷ مورد آن انواع و اقسام آدمکشی بوده است. رفتارشناسان معتقدند که این همه صحنه‌های جرم و جنایت نمی‌تواند در ساخت شخصیت کودکان بی تأثیر باشد. استنباط این محققان که تجاربی در زمینه درمان کودکان بزهکار دارند حاکی است که برنامه‌های جرم، جنایت، عصیانگری و خشونت تلویزیون آثار بسیار نامطلوبی در کودکان به جا می‌گذارد. لیکن تاکنون این چنین استنباطاتی در مورد گروه‌های کودکان بزهکار و غیر بزهکار که در شرایط مساوی بوده باشند، آزمایش نشده است.

الگوهای مجرمانه آن چنان استقرار یافته که در هر انگیزه‌ای تأثیر می‌گذارد. به علاوه، باید به یاد داشته باشیم که در بعضی موارد وسایل ارتباط جمعی می‌تواند در اشخاصی که دچار اختلال روانی‌اند، رفتار مجرمانه را باعث گردد.

عوامل اقتصادی و بزهکاری

مساواتی آذر (۱۳۷۴، صص ۶۸-۶۹) در مورد ارتباط بین فقر و بزهکاری چنین بیان می‌دارد که بسیاری از محققان در نتیجه‌گیری‌های خود در ارتباط با پژوهش‌های جامعه‌شناختی، به‌طور کلی فقر را به عنوان یک علت اساسی در پدیدآیی جرایم و انواع مختلف انحرافات تلقی می‌کنند. از

می‌دهند و حتی این عقیده در میان بعضی از محققان نیز شیوع یافته است، ولی به نظر می‌رسد که تغییر این نوع جرایم خشونت‌آمیز نیز ناشی از شرایط عمومی محرومیت حیاتی است که منشأ اقتصادی دارد. زیرا در جامعه‌ای که ثروت‌های مادی بی‌حساب، بادآورده و آسان در دسترس عده‌ای قرار می‌گیرد و شخصیت اجتماعی و اعتبار آدمی نیز با میزان ثروت سنجیده می‌شود، امکان استفاده از نعمات و رفع نیازها، چه اصلی و چه فرعی، به آن مربوط می‌گردد. در این وضع، آن‌هایی که در سلسله مراتب زیرین هرم طبقاتی قرار دارند و از نظر اقتصادی نیز در سطح پایین مانده‌اند، همواره سعی می‌کنند خود را با کسانی که در وضع برتری قرار دارند،



رفتارشناسان معتقدند که این همه صحنه‌های جرم و جنایت نمی‌تواند در ساخت شخصیت کودکان بی‌تأثیر باشد. استنباط این محققان که تجاربی در زمینه درمان کودکان بزهکار دارند حاکی است که برنامه‌های جرم، جنایت، عصیانگری و خشونت تلویزیون آثار بسیار نامطلوبی در کودکان به جا می‌گذارد.



دیدگاه طرفداران این نظریه، اولاً فقر می‌تواند به عنوان زمینه‌ای در ایجاد جرم اثر غیرمستقیم بگذارد. به طور مثال زندگی در خانه‌های کثیف، گرفتاری در وضع متزلزل مالی، خانواده بی‌سروسرمان، بحران مسکن، از هم گسیختگی خانواده در اثر بحران مالی و... در تکوین بزهکاری، به ویژه بزهکاری دوره نوجوانی مؤثرند. ثانیاً عامل فقر می‌تواند به طور مستقیم به عنوان یک محرک زیربنایی رفتارهای انسانی را برای عکس‌العمل‌های خشونت‌آمیز ضداجتماعی تحریک و آماده نماید. مانند نوسانات اقتصادی که به طور مستقیم در بعضی از جرایم، مثلاً در جرایم مالی، مستقیماً تأثیر می‌گذارد. زیرا این نوع جرایم همیشه در زمان نوسانات اقتصادی افزایش می‌یابند و به طور مستقیم در جنایات توأم با خشونت، که در کشورهای در حال توسعه بیش‌تر اتفاق می‌افتند، اثر می‌گذارند. اگرچه بعضی از جرم‌شناسان علت ارتکاب این نوع جرایم را به تحریکات عوامل عصبی نسبت

مقایسه‌کنند. پس کسی که چیزی ندارد، در اولین قدم هدفش این است که آن چه را ندارد هر چه سریع‌تر در اختیار بگیرد و به یک وضعیت اقتصادی برتر برسد تا همانند افراد ثروتمند دستش به جایی بند شده، در آن وضع، نیازهای خویشتن را همانند ثروتمندان برطرف کند.

فرجاد (۱۳۶۳، صص ۱۱۶) نیز در مورد ارتباط بین فقر و رفتارهای انحرافی می‌نویسد: آلفرد مارشال^۳ اقتصادشناس معروف می‌گوید: اغلب، تأثیری که مقدار درآمد فرد بر رفتارش می‌گذارد به مراتب کم‌تر از اثری است که روش‌های کسب پول بر جا می‌گذارد. این حقیقتی است انکارناپذیر که در روابط خانوادگی، مذهبی و دوستانه، حتی آن‌هایی که بضاعت مالی چندانی ندارند، قادرند در زمینه‌های مختلف به فعالیت‌هایی دست بزنند که منبع بزرگ‌ترین دلخوشی‌ها باشد. مع ذلک اوضاع و شرایطی که از فقر ناشی می‌شود، به خصوص در اماکنی که تراکم جمعیت بیش از اندازه بالاست،

بزهکاری در شهر و روستا

شیخاوندی (۱۳۵۰، صص ۱۲۹ - ۱۲۸) در مورد وضعیت بزهکاری و جرایم در شهر و روستا بیان می‌دارد که نوع، کیفیت و چگونگی جرایم روستایی و شهری مربوط به ارزش‌ها و برداشت‌های ویژه‌ای است که در درون این دو جامعه وجود دارد. امروزه به نسبت جمعیت، میزان بزهکاری و جرایم در روستاها کم‌تر از شهرهاست (در اثر فشار اجتماعی و کنترل غیرمستقیم). ولی باید دانست که در کشورهای در حال رشد میزان قتل و جنایت در مناطق روستایی و عشیره‌ای بیش از شهرها بوده، اغلب با خشونت و قساوت همراه می‌باشد و رویاروی است؛ مانند کشتار کولانکوه آذربایجان که اهالی قریه‌ای ساکنین قریه دیگر را داخل اصطبل کرده، به آتش کشیدند. در روستاهای کشورهای در حال رشد و جوان، در بسیاری از موارد افراد یک جامعه کوچک به مثابه یک تن واحد در برابر پدیده‌ها

فعالیت‌ها و مهارت‌های افراد را بی‌اثر می‌گرداند. افرادی که در شهرهای بزرگ خود را فقیر و تنها احساس می‌کنند برای دوست‌یابی و معاشرت با دیگران کم‌تر فرصت خواهند یافت. بدون شک ناسازگاری‌های جسمانی، روانی و اخلاقی آن‌ها معلول علت‌های دیگری به جز فقر هم می‌تواند باشد، هر چند که فقر مهم‌ترین عامل این ناراحتی‌هاست. ولی بعضی از انحرافات که به موازات فقر گسترش می‌یابند ناشی از فقر نیست. به طور کلی می‌توان گفت: فقر نابودکننده فقر است و مطالعه علل فقر تحقیقی است درباره عوامل عمده سقوط و تنزل عده بیش‌تری از مردم.

تأثیر دوستان بزهکار

مهم‌ترین عوامل تأثیر دوستان بزهکاری در فصلنامه تازه‌های روان‌درمانی، شماره ۱۷ و ۱۸ (صص ۱۱۲)، مدت زمان صرف شده با آن‌ها، فشار دوستان برای انجام اعمال بزهکارانه، تعامل و واکنش متقابل که شرط اصلی تأثیر دوستان بزهکار می‌باشد، بیان شده است.

میانگین سنی و بزهکاری

کی نیا (۱۳۷۰، صص ۱۷۸) در مورد میانگین سنی و تبه‌کاری می‌نویسد که ساترلند^۴ با توجه به آمارهای جنایی، یازده نتیجه را درباره میانگین‌های سنی جنایتکاران به دست آورده که بیش‌ترین تعداد جرایم به نظر می‌رسد مربوط به دوره جوانی یا دوره قبل آن باشد. ساترلند معتقد نیست که جرایم جوانان بیش‌تر از جرایم کودکان باشد، زیرا اگر جوان و کودکی مرتکب جرم شد بهتر است که از کودک انگشت‌نگاری شود و جرم او نیز در شناسنامه کیفری منعکس گردد. اختلاف فراوانی جرایم کودکان و جوانان، صوری و مربوط به رقم سیاه جرایم کودکان است که بسیار بالا می‌باشد. آمارهای انگلیسی نشان می‌دهد که حداکثر تبه‌کاری مربوط به جرایم شدید از پسران و دخترانی سرزده است که پسران در سنین ۱۲ تا ۱۳ سالگی و دختران در سنین ۱۶ یا ۱۷ سالگی بوده‌اند. آمار آمریکا حداکثر جنایات را مربوط به سنین بالاتر یعنی بین ۱۸ تا ۲۴ سال نشان می‌دهد. آقای زیلینگ^۵ معتقد است که حداکثر جرایم، مربوط به سنین بین ۲۱ تا ۲۵ سالگی است.





عامل فقر می تواند به طور
مستقیم به عنوان یک محرک
زیربنایی رفتارهای انسانی را
برای عکس العمل های
خشونت آمیز ضد اجتماعی
تحریک و آماده نماید. مانند
نوسانات اقتصادی که به طور
مستقیم در بعضی از جرایم، مثلاً
در جرایم مالی، تأثیر می گذارد.



عکس العمل نشان می دهند. به طور کلی جرایم و جنایات در
شهر و روستا از نظر نوع و شیوه با همدیگر تفاوت های
آشکاری دارند. امکان ضبط و ثبت جرایم در روستاها به
واسطه دوری آن ها از مراکز انتظامی و پراکندگی کم تر است و
بسیاری از بزه ها بدون این که اعلام شود با دخالت ریش
سفیدان و گیس سفیدان فیصله پیدا می کند. در صورتی که
جرایم و انحرافات شهری به واسطه دسترسی به مقامات
انتظامی خیلی سریع تر ثبت می شود. بدین سان در بسیاری
موارد میزان بزه ها و کجروی های شهری بیش از روستاها
نمایش داده می شود.

پیشگیری و درمان بزهکاری

در جهان کنونی پیشگیری از جرم که با هدف کاهش
فرصت های مجرمانه انجام می پذیرد اهمیت بسیاری یافته
است، زیرا ظهور اشکال جدید بزهکاری و گسترش فعالیت
مجرمانه امروزه به یکی از نگرانی های اساسی جوامع تبدیل
شده است.

از عوامل مؤثر در پیشگیری از جرم، عامل قانون است که
ابزار آن کیفر است و نقش بازدارندگی را ایفا می کند. عامل
دیگر، تربیتی است که نقش خانواده، آموزش و پرورش و

رسانه های جمعی در آن بسیار اثرگذار است. عامل اقتصادی،
که در صورت تعادل، بشر را از رنج بزرگی می رهاند و مانع
گرایش او به سوء اخلاق و فساد می شود، اهمیت خاص خود
را دارد. عامل اعتقادی و دین، عالم بشری را از پوچی ویرانگر
نجات می دهد، به زندگی معنا و مفهوم می بخشد و آدمی را از
پلیدی ها دور خواهد کرد.

وهابی (۱۳۸۲) در مقدمه مقاله خود در فصلنامه امنیت
اجتماعی چنین اظهار می دارد: با توجه به این که پیشگیری از
لحاظ لغوی به مفهوم جلوگیری، مانع شدن، جلو بستن و
اقدامات احتیاطی برای جلوگیری از اتفاقات بد و ناخواسته
است، در جرم شناسی پیشگیرانه مقصود از پیشگیری از جرم
کلیه اقدامات و تدابیری است که هدف آن کاهش فرصت ها
و موقعیت های ارتکاب جرم یا به حداقل رسانیدن وسعت و
شدت ارتکاب جرم است. از جمله این اقدامات و تدابیر
عبارت اند از:

الف) شناخت اوضاع و شرایط جرمزا و زمینه هایی که
وجود یا فقدان آن سبب تسهیل ارتکاب بزه می شود.

ب) تلاش برای حذف یا از بین بردن شرایط جرمزا. باید
خاطر نشان کرد پیشگیری از وقوع جرم از جهت خط مشی و
از جهت علمی و عملی به سنت های فرهنگی، سیاسی و
فکری جامعه بستگی دارد. به همین دلیل نحوه پذیرش و
مفهوم سازی پیشگیری از جرم و در نتیجه روش برنامه ریزی،
هماهنگی و اجرای سیاست های مربوط در سطوح ملی و
منطقه ای در کشورها و مناطق مختلف به طور قابل
ملاحظه ای متفاوت است. اما یک موضوع کلی را باید مورد
توجه قرار داد: تا زمانی که عوامل به وجود آورنده جرم اعم از
شرایط محیطی و ویژگی های فردی بزهکار و بزه دیده مورد
توجه واقع نشود، سرکوبی معلول هر چقدر هم با خشونت
صورت پذیرد، حاصلی نخواهد داشت. اعمال مجازات های
سنگین برای بر چیدن جرم از جامعه بی گمان تفکری باطل
است، چرا که مجرم تا حد زیادی محصول محیط خود است
یا این که نارسایی هایی در جسم و فعالیت های جسمانی وی
وجود دارد.

یکی از حقوق دانان بر جسته به نام برسبو دو واریل در
عبارت کوتاهی بیان می کند که بزهکار یا مریض است یا
نادان، باید به درمان و آموزش او پرداخت، نه این که او را خفه
کرد.

در مورد پیشگیری از بزهکاری در مجله ندای اصلاح (۱۳۸۰) آمده است که پیشگیری از بزهکاری به دو صورت اعمال می‌شود:

۱- پیشگیری عمومی

۲- پیشگیری اختصاصی

پیشگیری عمومی

انجام اقداماتی که منجر به رفع نیازهای مادی و معنوی شخص می‌شود و در او نوعی احساس اغنا و امنیت ایجاد می‌کند، سبب می‌شود که دیگر انگیزه ارزش شکنی و قانون گریزی در شخص وجود نداشته باشد، چرا که بزهکاری و ارتکاب جرم نوعی گرفتن انتقام از جامعه و طغیان و عصیان نسبت به ارزش‌های آن می‌باشد و وقتی شخص احساس تبعیض و کمبود نکند، چنین احساسی در او به وجود نخواهد آمد. به همین دلیل در جوامعی که عدالت وجود

دارد، بیکاری وجود ندارد و مردم احساس آرامش و امنیت می‌کنند، بزهکاری به شدت در آن‌ها تنزل پیدا می‌کند و این نوع پیشگیری صرفاً در دست قوه مجریه و دولت است.

پیشگیری اختصاصی

پیشگیری اختصاصی در ارتباط با افرادی است که مرتکب جرم شده‌اند و ممکن است مجدداً دست به ارتکاب جرم بزنند یا از لحاظ روحی و روانی یا شرایط خانوادگی آسیب‌پذیرند. مانند فرزندان که در خانواده‌های معتاد زندگی می‌کنند، اطفال بی‌سرپرست، اطفال فراری از منزل، بیماران روانی و... که می‌توانند در قالب پیشگیری اختصاصی مورد حمایت و توجه باشند.

در مورد پیشگیری از ارتکاب جرایم نوجوانان، به چند مورد می‌توان اشاره کرد:

الف - ایجاد محیطی آرام و سالم در خانواده از طریق:

۱- برقراری دوستی و تفاهم بین والدین

۲- همبازی شدن با کودک و نوجوان

۳- احتراز از رقابت در جلب محبت فرزندان

۴- عدم ایجاد ناسازگاری در محیط خانواده

۵- عدم پرخاشگری والدین نسبت به خود یا نسبت به

فرزندان

۶- پرورش حس اعتماد به نفس در فرزندان

۷- تأمین محیط و مسکن مناسب

۸- جلوگیری از تحریک جنسی فرزندان

۹- تأمین نیازهای مادی و معنوی

ب - تأمین آموزش و پرورش مناسب از طریق عملکرد مؤثر مدرسه و معلم

منصور در این زمینه چنین بیان می‌دارد: به نظر می‌رسد که مجموعه اقداماتی که در زمینه پیشگیری به عمل می‌آید از سه زاویه قابل طرح و بررسی است:

۱- کوشش کنیم به صورت زودرس و قبل از موقع و مدت‌ها پیش از آن که اعمال بزهکارانه از فرد آدمی سرزنند کشف کنیم که بزهکاران بالقوه چه کسانی‌اند و اقدامات لازم را در موردشان به عمل آوریم تا به عمل پیشگیری تحقق بخشیده باشیم.

۲- اقدامات مربوط به پیشگیری را در سطح قبل از وقوع



بزهکاری اعمال کنیم. منظور این است که مرتباً درصد کشف افراد خطرناک جامعه باشیم. افرادی که وجود اختلالات در آن‌ها به ما هشدار می‌دهد که باید در مورد آنان به موقع به عمل پرداخت تا بتوان از بزهکاری قریب‌الوقوع آن‌ها جلوگیری کرد.

۳- پیشگیری را در سطح تکرار جرم انجام دهیم. یعنی سعی کنیم کسانی که یک بار به بزهکاری دست زده‌اند برای بار دوم مرتکب جرمی نشوند. اما از این سه زاویه آن چه بیش‌تر برای ما حائز اهمیت است، زاویه اول است. چون زاویه دوم و سوم بیش‌تر در چهارچوب درمان قرار می‌گیرند. کوراکیوس^۶ (۱۳۷۶، صص ۵۶ - ۵۵) در مورد پیشگیری از بزهکاری می‌گوید: هر شخص یا هر اجتماعی که می‌خواهد مسئله خاصی از بزهکاری را اصلاح کند باید به خاطر داشته باشد که این کار یک تلاش مستمر و فرایندی متفکرانه است. اقدامی است که از جهت وقت، زمان و تلاش پرهزینه است. تمام اطلاعات حاصل از بزهکاران و بزهکاری نشان می‌دهند که برای پیشگیری از بزهکاری جوانان دستورالعمل یا فرمول خاصی وجود ندارد. آن چه از مطالعات، گزارش‌ها و زمینه‌یابی‌های متعدد به روشنی

استنباط می‌شود این است که کل جامعه باید در مورد پیشگیری و از بین بردن بزهکار اقدام کند. نه فقط مدارس محلی، نهادهای مذهبی، کلاترتی‌ها، انجمن شهر، بلکه تمام افراد یک جامعه حتی کسانی که فرزندان بزهکار نداشته‌اند، باید در این امر مهم شرکت جویند.

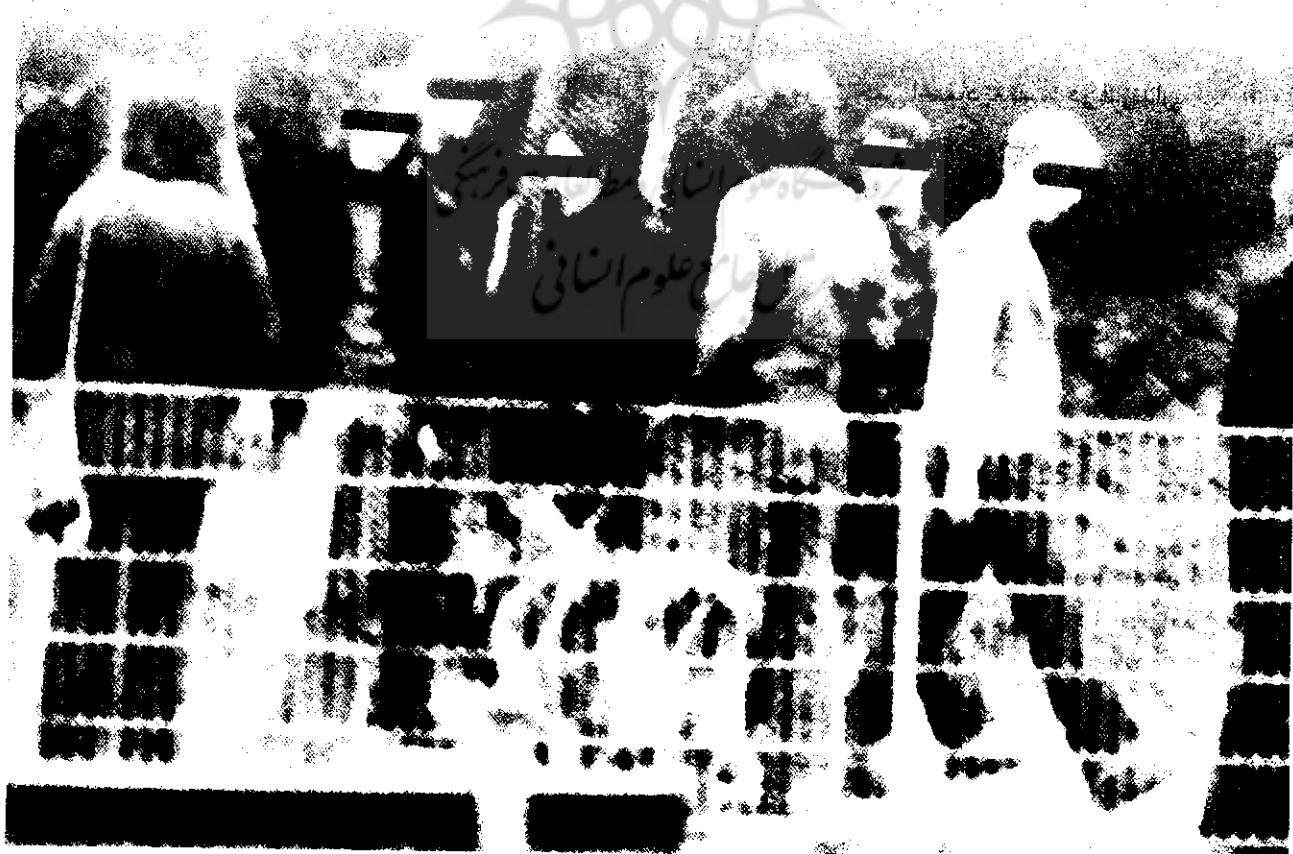
اما در مورد درمان بزهکاری، منصور به موارد زیر اشاره می‌کند:

- ۱- اجتناب از تشدید وضع بزهکاران
- ۲- مشاهده
- ۳- درمان سرپایی
- ۴- درمان در مؤسسات شبانه‌روزی
- ۵- نظام درمان روزانه یا نیمه آزاد
- ۶- پیگیری یا مراقبت‌های بعد از درمان
- ۷- تربیت متخصصان و کارکنان فنی

عوامل مؤثر در تربیت برای پیشگیری از بزهکاری

الف:

- ۱- خانواده
- ۲- آموزش و پرورش



- ۳- رسانه‌های جمعی
ب: عوامل اقتصادی
ج: عوامل اعتقادی

چاره‌ای نیندیشد و نتواند برای پیشگیری از بروز جرم کوشا باشد، بر مطالعات آن هیچ اثری مترتب نیست.

پیشگیری کیفی

اهداف اختصاصی کیفر به شرح ذیل است:

۱- اصلاح بزهکار از طریق تعلیم و تربیت جسمی و فکری و روانی بزهکار با به کار گرفتن تعلیق مجازات، اعمال مجازات سالب آزادی و نگهداری بزهکار در محیط‌های نیمه باز، باز و آزادی مشروط.

۲- حمایت جامعه از دو طریق:

الف) تعلیم و تربیت بزهکار برای زندگی مجدد در جامعه، ضمن اعمال مجازات‌های سالب آزادی و اقدامات تأمینی و تربیتی.

ب) طرد بزهکار از زندگی در اجتماع، ضمن اعمال مجازات‌های حبس دائم، حبس‌های طولی‌المدت و تبعید.

۳- ارباب بزهکار (پیشگیری فردی) ضمن اعمال کیفرهایی از قبیل جزای نقدی و مجازات سالب آزادی.

۴- ارباب دیگران (پیشگیری عمومی) با اعمال مجازات‌های طردکننده از اجتماع نسبت به بزهکار، از قبیل کیفر نهایی چون حبس دائم، تبعید و...

پیشگیری غیر کیفی

۱- پیشگیری موضوعی (وضع‌ای) از جرم (تشدید اقدامات علیه جرم و جنایت)

الف) پیشگیری محیطی

پیشگیری از وقوع جرم از طریق تجدید آرایش ساختار اصولی صحنه فیزیکی‌ای که جرم در آن به وقوع می‌پیوندد، به منظور جلوگیری یا غیرضروری و غیر ممکن نمودن وقوع آن.

ب) تقویت آماج‌های جرم

این نوع از پیشگیری توسط پلیس مورد حمایت بسیار قرار گرفته است و هدف آن افزایش امنیت فیزیکی آماج‌های جرم است تا بدین وسیله کار مجرمان به هنگام ارتکاب جرم مشکل‌تر گردد. روش مزبور مبتنی بر این پیش فرض است که می‌توان از طریق کاهش درجه آسیب پذیری آماج‌هایی که فرصت‌های آسان بسیار زیادی را برای ارتکاب جرم فراهم می‌سازند، از وقوع جرم جلوگیری نمود. به عنوان مثال نصب

اهمیت پیشگیری از دیدگاه فقهی و جرم‌شناسی

الف) اهمیت پیشگیری از دیدگاه فقهی

حقوق جزا و کیفر در اسلام برای زجر و عذاب گناهکار نیست، بلکه برای پیشگیری از وقوع جرم است که این پیشگیری در دو قالب تجلی می‌یابد.

الف: تهذیب اخلاق

ب: حفظ عوامل پیش گیرنده مانند:

۱- بازداشتن از گناه

۲- منع از ارتکاب جرم و گناه

۳- حذف عوامل مؤثر در بروز جرم

۴- امر به معروف و نهی از منکر

۵- منع از کشف و اثبات جرم

۶- توبه بعد از اقرار

۷- پذیرش انکار بعد از اقرار

۸- نذر و الحدود بالشبهات

۹- توبه

۱۰- اجرای مجازات

ب) اهمیت پیشگیری از دیدگاه جرم‌شناسی

یکی از راه‌های ممکن و مؤثر برای جلوگیری از وقوع جرایم و مبارزه با علل جرم‌زا، تعلیم و تربیت صحیح و تأمین ضروری افراد جامعه می‌باشد و این طریقی است که جرم‌شناسی پیش نهاد می‌نماید. قانونگذار واقع بین همان طور که منتسکیو در کتاب روح القوانین می‌گوید؛ کم‌تر به مجازات می‌اندیشد بلکه پیش‌تر می‌کوشد تا مردم را با اخلاق و انسانیت آشنا سازد و آموزش و پرورش را گسترش دهد. اما مبارزه علیه بزهکاری موضوع دیگری است. وهابی (۱۳۸۲) بیان می‌دارد که تحقیقات اصولی مبتنی بر اسلوب علمی، تمام اقداماتی است که برای پیشگیری (مستقیم و غیرمستقیم) باید اتخاذ شود. جوهر وجود این دانش مبتنی بر موضوع خاصی است که به خاطر آن پی‌ریزی شده است و آن بررسی تبهکاری و علل آن، پیشگیری و درمان است. وی خاطر نشان می‌کند: به جرئت می‌توان گفت که جرم‌شناسی اگر از درمان تبهکاران فارغ باشد و برای تقلیل تبهکاری



زنگ خطر و قفل‌های مناسب‌تر در خصوص سرقت از زنانی تسکین درد و جلوگیری از پیشرفت آن می‌باشد و عمدتاً در کوتاه مدت مفید است، مانند جمع آوری اطفال بی سرپرست، مبارزه با اعتیاد و...

پیشگیری اجتماعی

جلوگیری از رشد شرایط اجتماعی جرم‌زا و کنترل بزهکاری که همکاری کلیه نهادهای دست‌اندرکار را می‌طلبد (تأمین امکانات رفاهی و بهداشتی، از بین بردن بیکاری، جلوگیری از مهاجرت و...)

پیشگیری خاص

انجام اقداماتی است که قبل یا بعد از ارتکاب ناسازگاری و بزه صورت می‌گیرد و هدف آن مبارزه با انگیزه‌ها و علل بزهکاری، بازپروری مجرم و امحای عوامل و انگیزه‌های آن می‌باشد. در حقیقت پیشگیری اختصاصی مسکنی برای

نتیجه‌گیری

بنابراین، می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که عوامل متعددی در بروز بزهکاری اثر گذارند، از جمله: تأثیرات محرومیت فرزندان از مراقبت‌های والدین، فقر، کثرت اولاد، وضعیت نابسامان خانواده از قبیل از هم پاشیدگی و طلاق، تأثیر مجلات، رادیو و تلویزیون و... اما نتیجه‌ای که از کل تحقیق به دست می‌آید، بیش‌تر به تأثیر کانون خانواده بر فرزندان مربوط می‌شود. چون اگر هر کدام از عوامل فوق را بررسی کنیم، به نحوی در کانون خانواده ریشه دارند، مثل کثرت اولاد یا طلاق. حتی به نظر ما تأثیر مجلات و رادیو و

تلویزیون هم باز به آموزش خانواده بر می‌گردد. به هر حال باید بدانیم که فرد بزهکار قبل از هر چیز یک انسان است و به مراقبت و کمک نیاز دارد و به قول کوراکیوس: فرد بزهکار نه به خشم و عصبانیت ما نیاز دارد و نه به احساساتی شدن بیش از حد ما. او بیش از همه نیازمند آن چیزی است که اکثر بزرگسالان نیز هرگز به آن نرسیده‌اند. نیازمند دانشی است که به او بگوید چه کسی است و با کمکی که به او می‌شود چه خواهد شد؟! شاید اگر بزرگسالان نتوانند خود را عوض کنند، بزهکاران همیشه وجود داشته باشند. برای کمک به آن‌ها باید مسائل خود و زندگی خود را دقیق‌تر درک کنیم. ارزش آن را دارد که تلاش کنیم هر چه را که نقص و خلاف کودک باشد از بین ببریم و به هنگامی که او در معرض خطر است و نیاز مبرم به کمک دارد تنها رهایش نکنیم. آموزش و پرورش باید علاوه بر فعالیت‌های تحصیلی و آموزش حرفه‌ای به موارد زیر نیز توجه خاص مبذول دارد:

الف) تعلیم ارزش‌های بنیادین و ایجاد احترام برای هویت و الگوهای فرهنگی کودکان و نوجوانان.

ب) ارتقا و پرورش شخصیت، استعداد و توانایی‌های ذهنی و جسمانی کودکان و نوجوانان در حد کمال.

ج) پرداختن به فعالیت‌هایی که موجب پرورش احساس یگانگی با مدرسه و جامعه و روحیه احترام به قوانین در فرد می‌شود.

د) تشویق نوجوانان و جوانان به درک عقاید مختلف و تفاوت‌های فرهنگی و احترام گزاردن به آن‌ها.

پیش‌نهاد:

نظر به اهمیت امر پیشگیری و تأکید قانون اساسی بر آن، نسبت به تأسیس نهادی مستقل و اجرایی در ستاد قوه قضائیه اقدام گردد و نسبت به اختصاص ردیف بودجه مستقل برای پیشگیری از وقوع جرم، پیشگیری‌های لازم توسط سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، صورت گیرد.

پی‌نوشت:

- 1- FREDRIK VERTAM
- 2- TRASHER
- 3- ALFERED MARSHAL
- 4- SATERLAND
- 5- ZAYLING
- 6-KORAKIOUS

منابع:

- آبراهامسن، دیوید (۱۳۷۱): روان‌شناسی کیفری، ترجمه پرویز صانعی، چاپ احمدی.
- حکمت، سعید (۱۳۷۴): روان‌شناسی کیفری، چاپ هاشمیون، انتشارات گوتنبرگ.
- دانش، تاج‌زمان (۱۳۷۲): مجرم کیست و جرم‌شناسی چیست؟ چاپ و صحافی: مؤسسه کیهان.
- دانش، تاج‌زمان (۱۳۷۲): اطفال و جوانان بزهکار، مؤسسه تهران تایمز.
- شامبیاتی، هوشنگ (۱۳۷۷): بزهکاری اطفال و نوجوانان (با تجدید نظر و اضافات)، انتشارات ژوبین.
- شیخ‌وندی، داور (۱۳۵۰): آسیب‌شناسی اجتماعی، چاپخانه بهمن.
- صلاحی، جاوید (۱۳۵۰): کیفرشناسی، انتشارات آموزش.
- فرجاد، محمد حسین (۱۳۶۳): آسیب‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی انحرافات، اصلاح شده کتاب جامعه‌شناسی انحرافات و مسائل اجتماع از منشورات دانشگاه تربیت معلم در پاییز ۱۳۵۸، انتشارات بدر.
- فصلنامه تازه‌های روان‌درمانی، سال پنجم، شماره‌های ۱۷ و ۱۸.
- فصلنامه ندای اصلاح، شماره ۱، بهار ۱۳۸۰.
- فصلنامه ندای اصلاح، شماره ۲، پاییز ۱۳۸۰.
- کی‌نیا، مهدی (۱۳۷۰): مبانی جرم‌شناسی، جلد اول، انتشارات دانشگاه تهران.
- کی‌نیا، مهدی (۱۳۷۰): مبانی جرم‌شناسی، جلد دوم، انتشارات دانشگاه تهران.
- کلاین‌برگ، اتو (۱۳۶۲): روان‌شناسی اجتماعی، ترجمه علی محمد کاردان، جلد دوم، چاپ هفتم، تهران.
- کوراکیوس، سی، ویلیام (۱۳۷۶): بزهکاری نوجوانان (مسئله‌ای برای دنیای مدرن)، مترجم و تنظیم‌کننده: جعفر نجفی زند، نشر نمایشگاه کتاب کودک.
- لطف‌آبادی، حسین (۱۳۸۰): روان‌شناسی رشد (۲) نوجوانی، جوانی و بزرگسالی، چاپ و صحافی شرکت نشر لیلی.
- ماهنامه اصلاح و تربیت، سال ششم، شماره ۶۶، تیرماه ۱۳۷۹.
- مساواتی آذر، مجید (۱۳۷۴): آسیب‌شناسی اجتماعی ایران (جامعه‌شناسی انحرافات) انتشارات بونل.
- منصور، محمود (۱۳۷۵): زمینه بررسی بزهکاری کودکان و نوجوانان، تهران، شرکت سهامی چهر.
- نوبهار، رضا (۱۳۷۷): زمینه جرم‌شناسی، چاپ احمدی.
- اکبری، ابوالقاسم (۱۳۸۱): مشکلات نوجوانی و جوانی، نشر ساوالان.
- کرباسی، منیره و وکیلان، منوچهر (۱۳۷۷): مسائل نوجوانان و جوانان، مرکز چاپ انتشارات دانشگاه پیام نور.
- بیابانگرد، اسماعیل (۱۳۷۸): روان‌شناسی نوجوانان، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- معاونت اجتماعی ناجا (۱۳۸۲): چکیده مقالات همایش امنیت اجتماعی، ناشر: معاونت اجتماعی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران.
- وهابی، زهرا (۱۳۸۲): پیشگیری از جرایم از منظر جرم‌شناسی، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، چاپ پایدار نقش.
- گرجی، ابوالقاسم (۱۳۷۳): مجموعه مقالات حقوقی، دانشگاه تهران.
- گلدوزیان، ایرج (۱۳۷۶): حقوق جزای عمومی، انتشارات دانشگاه تهران.
- شیخ‌وندی، داور (۱۳۵۳): جامعه‌شناسی انحرافات و آسیب‌شناسی اجتماعی، شرکت نشر و پخش، چاپ دوم.
- منصور، محمود (۱۳۶۸): بزهکاری کودکان و نوجوانان، تهران، نشر چهر، چاپ سوم.